پیشنهاد روز

برپایی جشن امضای لاک‌پشت پرنده در «شهرکتاب» مرکزی

لاک‌پشت‌ها «ماهانه» پرواز می‌کنند

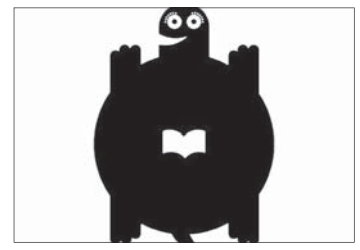

● **شرق:** جشن امضای لاک‌پشت پرنده، در سال جدید به‌صورت ماهانه برگزار خواهد شد و نویسندگان و مترجمان و تصویرگران کتاب‌های برگزیده کودکان و نوجوانان، هر ماه برای امضای کتاب‌هایشان به فروشگاه مرکزی شهرکتاب خواهند رفت. نخستین جشن امضای سال ۱۳۹۲ اواخر تیر در فروشگاه مرکزی شهرکتاب برگزار خواهد شد. «لاک‌پشت پرنده» نام فهرستی برگزیده از کتاب‌های کودک و نوجوان است که فصلنامه پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و فروشگاه مرکزی شهرکتاب آن را منتشر می‌کنند. این فهرست هر فصل با بررسی و داوری تمام کتاب‌های آن فصل توسط گروه داوران متشکل از معصومه انصاریان، محمود برآبادی، شکوه حاجی‌نصرالله، شیوا حریری، شادی خوشکار، حسین شیخ‌الاسلامی، علی‌اصغر سیدآبادی، حدیث لزرغلامی، مریم محمدخانی، گیسو فغفوری، مسعود ملکیاری و ربابه میرغیاثی تدوین و در مجله پژوهشنامه منتشر می‌شود و کتاب‌های راه‌یافته به فهرست در برخی از کتابفروشی‌ها و از جمله فروشگاه مرکزی شهرکتاب عرضه می‌شود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

بررسی انتزاع در نقاشی معاصر ایران در «ایده»

● **شرق:** نشست «انتزاع در نقاشی معاصر ایران» با حضور مصطفی دشتی، پویا آریانپور و بیتا وکیلی روز جمعه ۱۴تیرماه در گالری «ایده» برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی «ایده»؛ نشست «انتزاع در نقاشی معاصر ایران» با هدف شفاف‌سازی و بازگشایی دریچه‌ای نو به این جریان هنری، با حضور سه نقاش معاصر انتزاع‌گرا در گالری ایده برپا می‌شود. مصطفی دشتی، پویا آریانپور، بیتا وکیلی و محمود نورایی مجری و کارشناس؛ در این نشست خلاصه‌ای تاریخی از روند شکل‌گیری انتزاع در نقاشی را بررسی می‌کنند. همچنین اشاره‌ای به آثار هنرمندان بزرگ این جریان هنری و چگونگی برخورد با این مکتب هنری از دیگر موضوعاتی است که در این نشست ارایه خواهد شد. این نشست در گالری ایده، واقع در خیابان کریمخان‌زند، خردمند شمالی، خیابان هجدهم، شماره ۲۶ برگزار می‌شود.

هنر هفتم

رونمایی از «رییس‌جمهور یک‌دلاری»

● **شرق:** فیلم «رییس‌جمهور یک‌دلاری» ساخته علیرضا بهرامی در جزیره «نامی» به‌نمایش درآمد. در مراسم رونمایی از این فیلم که با حضور کانگ وو هیون، فرماندار جزیره نامی و طراح گرافیک و پونه ندایی، سفیر حسن‌نیت کره‌جنوبی در ایران و بدون سازنده اثر برگزار شد، فرد مین، رییس روابط بین‌الملل نامی به معرفی علیرضا بهرامی و دیدارش از جزیره نامی در تابستان گذشته پرداخت. این فیلم مستند ۱۴دقیقه‌ای نه‌تنها به معرفی جزیره نامی می‌پردازد که به استقلال فرهنگی یک جزیره کوچک در دل کره‌جنوبی نگاهی ژرف دارد. جمهوری نامی (Naminara Republic) جزیره‌ای در خاور دور است که در سال ۲۰۰۶ استقلال فرهنگی خود را از کره‌جنوبی اعلام کرد. از آن پس با انتخاب رییس‌جمهوری که خود یک هنرمند گرافیست مشهور است، شکل جدیدی از حاکمیت برمبنای هنر و زیبایی را به‌نمایش گذاشت که تاکنون، جزیره را به موقعیتی ایده‌آل در عرصه جذب گردشگر رسانده است. بهرامی برای ساخت «رییس‌جمهور یک‌دلاری» به جزیره «نامی» سفر کرده و سه روز قبل از ملاقات رییس‌جمهور کانگ با دبیرکل سازمان ملل‌متحد، با او- که با حقوق سمبلیک ماهانه یک‌دلار در این پست فعالیت می‌کند - در آتلیه هنری‌اش به گفت‌وگو پرداخته است.

اتاق روشن

خط‌نوشته‌های «بادروج» در خانه هنرمندان

● **شرق:** نمایشگاهی از عکس‌های بهروز بادروج با عنوان «خطنوشته» در نگارخانه بهار خانه هنرمندان برگزار می‌شود. بادروج در این نمایشگاه ۳۵ فریم عکس را که شامل هشت‌سال تجربه اخیر او هستند، به نمایش می‌گذارد. او درباره این نمایشگاه گفت: «با نگاهی دوباره به مجموعه‌ای از عکس‌هایم که در هشت‌سال اخیر گرفته شده‌اند، متوجه عکس‌هایی در طبیعت شدم که تداعی‌کننده همان «خط»های خشک، بی‌برگ و رهاشده در نقاشی‌های گذشته‌ام بودند. بنابراین بر آن شدم تا این موضوع را در عکس‌هایم گسترش دهم.» نمایشگاه عکس‌های او از ۲۱تیر به مدت یک‌هفته در نگارخانه بهار خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

تماشاخانه

واخوردگی تاریخی

محسن خیمه‌دوز

سیامک صفری، بازیگر مستعد تئاتر ایران، این‌بار در نمایش «خانه سربی» (نوشته و کار علی نرگس‌نژاد) بازی می‌کند و با حضور محوری‌اش، به نمایش جان، حرکت و لحن می‌دهد. او در خانواده‌ای زندگی می‌کند که فرزند پسرش کندذهن و لمپن است و دخترش هم دنبال یافتن شوهر و ازدواج است و زنش، مادر خانواده، (پانته‌آ پناهی‌ها) محرم اسرار همه و عاملی برای ایجاد پیوند میان افراد است. مساله اصلی در این نمایش، یک خنجر است که خون به پا می‌کند و همه به دنبال تصاحب آن هستند و عاقبت هم پیدا نمی‌شود... مادر که پرستار بوده در بیمارستان، زخم‌های مردی را بخیه زده (سیامک صفری) و بعد هم مورد توجه آن مرد قرار گرفته و زن او شده... مرد هم از آن پس، دیگران را به صورت آدم‌های واخوردگی می‌بیند که یک خیاط یا بخیه زننده باید آنها را بدوزد تا از جرخوردگی در امان بمانند... شاید به همین دلیل است که نام کسی که خنجر نزد او به امانت گذاشته شده «امان» است... قشنگ‌ترین بخش نمایش زمانی بود که مرد (سیامک صفری) به هنگام تهدیدکردن بچه بد اخلاقش (بابک حمیدیان)، که روی دیوار مدرسه‌اش آگهی زده: آموزش لمپنیسم با بهترین روش و در کوتاه‌ترین مدت، او را به «واخوردگی تاریخی» متهم می‌کند و برایش آرزو می‌کند که کسی پیدا شود تا «واخوردگی‌اش» را ترمیم کند.

به‌کاربردن واژه «واخوردگی تاریخی»، به صورت طنز، همراه با بازی طنز و دیدنی سیامک صفری (بهترین بازیگر تئاتر معاصر ایران) بسیار جذاب و با معنی جلوه می‌کند. جذاب است، زیرا در حال بیان می‌شود که پزشک خانواده (فرزین صابونی) هم خودش یک بیمار نیازمند درمان است و با معناست، زیرا اعضای یک خانواده نمادین، در فرم روایی «رئالیسم جادویی»، واخوردگی تاریخی خود را روایت می‌کنند.

روایت پرویز کلانتری از شهر گمشده‌اش

شبی در خواب به جای درخت تیرآهن کاشتند

عکس: شرق

شرق: به خودش لقب «نقاش خاک» و مناظر «خاک آلوده» وطن را داده است. چه لقب مناسبی برای پرویز کلانتری که خاک قهوه‌ای روشن و کاهگل عنصر اصلی تابلوهای اوست. این تابلوها، تصویر شهری است که در ۸۲سالگی می‌گوید آن را گم کرده و دیگر آن را نمی‌شناسد. انگار شبی که همه خواب بودند، آمده‌اند و درخت‌ها را بریده‌اند و جایش تیرآهن گذاشتند. «پرویز کلانتری» هنرمند نقاش و نویسنده نام‌آشنای ایران که روز دوشنبه میزبان سومین نشست از سری برنامه‌های هنرهای تجسمی شهر کتاب مرکزی بود، با اشاره به کارهای خود از فراموشی خاطراتش در شهری گفت که گم شده است: «ساختارشکنی یکی از ویژگی‌های هنر مدرن است. واقعیت این است که شهر من واقعا گم شده است و من دیگر آن را نمی‌شناسم. در شبی که همه خواب بودیم بسازوبفروش‌ها به جان شهر افتادند، درخت‌ها را بریدند و جایش تیرآهن کاشتند. ساختمان‌ها هیچ ربطی به هم ندارند، حادثه‌ای رخ داده است و شهر دچار دگرگونی و سردرگمی عجیبی شده است.» کلانتری به گفته خودش: «از نسلی هستم که می‌توانم خاطراتم را برای بچه‌ها بازگو کنم و از زیبایی‌های اقوام و سنت‌های ایرانی برایشان بگویم. وقتی قرار است داستانی را برای بچه‌ها بنویسیم و نقاشی کنیم، خوب است که به میراث‌مان هم نگاه کنیم. من به‌شدت به عناصر بومی وفادارم. یک‌بار که به فرانسه رفته بودم، جلو منظره‌ای ایستادم ولی چیزی نکشیدم چون اگرچه آن را مثل یک کارت‌پستال زیبا می‌دیدم، ولی من نقاش سرزمین خاک‌آلود خودم هستم.» او به تابلوی «شهر من گمشده است» اشاره کرد که در حراج تهران به فروش رسیده است: «این نقاشی روایت مرد سالخورده‌ای است که اندکی دچار فراموشی شده و دیگر شهرش را نمی‌شناسد. این اثر بهانه‌ای بود تا نشانه‌های مخدوشی را از شهر خودم که در یادم مانده، نقاشی کنم. درواقع ساختارشکنی این اثر که از مخدوش‌بودن نشانه‌ها می‌آید، خودش یک سبک است. شهر ما به دست بسازوبفروش‌ها مخدوش شده و در آن به جای درخت، تیرآهن روییده است. گویی حادثه‌ای رخ داده که به شهر جلوه‌ای اجق وجق داده و آن را دگرگون کرده است» البته این بخشی از صحبت‌های نقاش ۸۲ساله که دستی در نوشتن دارد، درباره نوشتن بود. او گفت که دو پرویز کلانتری را در مقابل خودتان دارید: «یک پرویز کلانتری به نوشتن علاقه دارد و یک پرویز کلانتری هم نقاشی می‌کند. در نقاشی «شهر من گم شده است» این دو گرایش را یکجا آورده‌ام تا ساختاری مدرن ارایه دهم. در این هرج‌ومرج، نشانه‌هایی را آورده‌ام که رازآمیز هستند و جذابیت اثر نیز به رازآلودگی آن است.» کلانتری درباره فضای ادبی و هنری حال گفت: «مدل ما به عنوان یک هنرمند در جهان، چارلی چاپلین است که بین همه، محبوبیت خاصی دارد، اما خود من آنقدر وحشی و گوناگون کار می‌کنم که گاهی اوقات همسرم از کارهای من با عنوان حیف رنگ، حیف بوم یاد می‌کند. من فکر می‌کنم جزو آدم‌های خوش‌شانسی هستم که مخاطب با من همراه می‌شود.» پرویز کلانتری ویژگی‌های فضای فرهنگ و هنر ایران را چنین توصیف کرد: «فعالیت‌های گوناگون هنری با هم ارتباطی ندارند و هنرمندان موسیقی، هنرمندان نقاش، نویسندگان و... هرکدام قبیله مجزای خودشان را دارند. فرضا در گذشته می‌دیدم که رضا براهنی استاد ادبیات مدرن انگلیسی است، ولی هیچ اطلاعاتی از معماری ندارد. این قطع ارتباط همچنان ادامه دارد؛ درحالی که در سایر نقاط دنیا اغلب شاعران و نقاشان و... با هم هستند. به‌طور مثال سوررئالیست‌ها چه در حیطه نقاشی و چه در ساحت ادبیات همیشه با هم درحال گفت‌وگو بودند و آن مکتب را پیش می‌بردند. کاش می‌شد با چنین نشست‌هایی قبایل گوناگون نقاش‌ها، نویسندگان، شعرا و... را به هم نزدیک کرد.» نقاش خاک که دستی در طنز دارد در بخشی از این نشست با قیمت تابلوهای فروخته‌شده در حراجی تهران شوخی کرد و گفت: ارزیابی من در حراج آن شب این بود که آثار هنرمندانی که مرده‌اند، قیمت بالاتری داشت، بنابراین اگر کسی اثر نقاشی از من دارد آن را نگه دارد تا بعد از مرگم قیمتش بالا برود.» تصویرگر سال‌های دور کتاب‌های درسی گفت: من اکنون ۸۲ساله‌ام و همه دغدغه‌ام این است که تکرار جوانی من، یعنی نسل امروز، چطور فکر می‌کند، سلیقه‌اش چیست و به جهان چگونه می‌نگرد. من به این نسل خیلی امیدوارم. آنها از جهات مختلف نسبت به نسل من برتری‌هایی دارند، با دنیا ارتباط سهل‌تری دارند و به نظرم آینده را آنها رقم می‌زنند. او در بخشی از سخنانش نیز با نقل خاطره‌ای درباره عباس کیارستمی گفت: یک روز عباس کیارستمی در کافه ریورا در خیابان قوام‌السلطنه نشسته بود. او آن روزها هنوز به جرگه هنرمندان تراز اول درنیامده بود. یک ارمنی که او را نوستراداموس می‌خواندند وارد شد و پیش‌بینی کرد که یک نفر از جمع حاضر در آینده به کاخ الیزه خواهد رفت و نشان لژیون دونور دریافت خواهد کرد. خیلی‌ها او را مسخره کردند ولی کیارستمی به این درجه رسید و نشان لژیون دونور گرفت.

هفت جهان

نمایشگاه «سالگادو» در کالیفرنیا گشایش یافت

عکاس صحنه‌های باورنکردنی

نیما توسلی

«ترجیح می‌دادم تا بخش وسیعی از صحنه‌های باورنکردنی را روی این سیاره کشف کنم. خوب است که نزدیک به نیمی از کره زمین کاملا دست‌نخورده است.» اینها بخشی از صحبت‌های سباستیاو سالگادو عکاس برزیلی است که مجموعه عکس‌های جدیدش، از ۲۹ ژوئن در گالری پیتر فترمن کالیفرنیا روی دیوار رفته است.

«گالری پیتر فترمن» در اولین نمایشگاه آمریکایی خود از پروژه «پیدایش» (Genesis)، جدیدترین عکس‌های این مجموعه تحسین‌شده بین‌المللی را به نمایش گذاشته. پروژه پیدایش، نامی است که «سالگادو»، برای این عکس‌ها برگزیده است. پروژه‌ای که از سال ۲۰۰۴ آغاز شده و او آن را با همکاری یونسکو پیش می‌برد. پیتر فترمن که خود یکی از بزرگ‌ترین حمایت‌کنندگان و خریداران آثار سالگادو است، حدود دو دهه پیش توسط هنری کارتیه برسون (عکاس فقید فرانسوی) با این عکاس معروف آشنا شد. عکس‌های این عکاس ۶۹ساله برزیلی‌الاصل مقیم پاریس، در ابعاد بزرگ ۳۵ در ۲۴اینچ و به‌صورت سیاه و سفید چاپ شده و تا ۱۹ اکتبر در این نمایشگاه روی دیوار است. این عکس‌ها حاصل هشت‌سال تلاش و پژوهش مداوم این عکاس در بیش از ۳۲ منطقه محروم و منزوی در سطح جهان است. به‌عنوان مثال می‌توان به عکسی از او که در سال ۲۰۰۶ از یک گله گاو وحشی در جنوب سودان گرفته شده، اشاره کرد. لازم به ذکر است که سالگادو خود، دوران نوجوانی‌اش را در یک مزرعه و دامداری در برزیل سپری کرد و پس از آن به‌عنوان یک اقتصاددان به پاریس رفت و در آنجا کار عکاسی را شروع کرد.

مجموعه عکس‌های جدید سالگادو، از اقدامی که خانواده او در مزرعه خانوادگی خود انجام داد و آن را از نو احیا کرد الهام گرفته، به‌طوری که او به تأسی از این اقدام تصمیم گرفت تا نواحی بکر و دست‌نخورده طبیعی در سرتاسر جهان را به‌همراه حیات‌وحش و فرهنگ‌های سنتی و بومی باقی‌مانده در این نواحی که زندگی مدرن بر آنها اثرگذار نبوده، به تصویر بکشد.

این عکس‌ها به‌زودی در موزه‌های مختلفی در سرتاسر جهان به نمایش گذاشته خواهد شد که از آن جمله می‌توان به موزه رویال اونتاریو در تورنتو، موزه آرا پکیس در رم و موزه خاردیم بوتانیکو در ریودوژانیرو اشاره کرد. همچنین برای تکمیل اقدامات، کتاب مجموعه عکس‌های «پیدایش» نیز در تابستان به چاپ این آثار در این کتاب و همچنین ارایه کپی‌های امضاشده این عکس‌ها اقدام خواهد کرد.

پیش از این نیز، سالگادو آثاری از تاثیرات فرهنگی صنعتی‌شدن و شهری‌شدن جهانی را به تصویر کشیده بود که به طور گسترده در مجلاتی چون Workers (۱۹۹۳) و Migrations (۲۰۰۰) چاپ شده بود. او سفیر حسن‌نیت یونیسف و عضو افتخاری آکادمی هنر و علوم آمریکا نیز هست. از مهم‌ترین جوایزی که تاکنون دریافت کرده می‌توان به مدال طلا برای عکاسی از باشگاه هنرهای ملی نیویورک، جایزه کارخانه دوربین‌سازی Hasselblad (۱۹۸۹)، انتخاب به‌عنوان عکاس سال (۱۹۸۶) و مدال همکاری افتخاری انجمن رویال فتوگرافیک (۱۹۹۳) اشاره کرد.

عکس: Edmond Tevrakopian

چهره روز

گله پرستویی از بی‌توجهی به درگذشتگان «ایرباس»

● **شرق:** سال‌هاست پرویز پرستویی این سنت را معمول کرده که همزمان با سالروز حمله نیروی دریایی آمریکا به هواپیمای مسافربری شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر، به یاد مسافران درگذشته، در خلیج‌فارس گل می‌ریزد. امسال نیز به‌مناسبت ۱۲ تیر و نزدیک شدن به این واقعه، پرویز پرستویی، بازیگر سینما و تلویزیون به‌همراه حبیب احمدزاده به دیدار خانواده شهید محسن رضاییان، خلبان این هواپیما رفتند. او که دلیل اصلی این دیدار را تسلیت گفتن و عیادت از پدر این خلبان عنوان کرده است، در گفت‌وگو با ایسنا، از زنده نگه نداشتن یاد و خاطره شهیدان این اتفاق گله کرد: «وسط همه این دعواها بیایید به این مسایل که ارزشی است توجه داشته باشید. اگر بعد از ۲۵ سال بخواهیم یاد این شهدا را زنده کنیم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. ما همیشه از اسم شهدا استفاده می‌کنیم بدون آنکه به آنها اندکی توجه داشته باشیم.» پرستویی همچنین گفت که در سالگرد این حادثه در سال ۸۶ تنها خواسته‌شان این بود که حداقل به یاد ۲۹۰ نفر یک خیابان یا بزرگراه در تهران نام‌گذاری شود یا فرودگاه بندرعباس به نام شهدای ۱۲تیر گذاشته شود. البته این اولین‌بار نیست که پرستویی نسبت به این موضوع واکنش نشان می‌دهد. او در مراسم‌های دیگری که به‌همین‌منظور و با حضور سینمایی‌ها برگزار شده بود، یاد و خاطره مسافران هواپیمای ایرباس را گرامی داشته بود. او با حضور در خانه خلبان رضاییان با بیان اینکه در این حادثه ۲۹۰ نفر درگذشتند که ۶۷ نفر آنها کودک بودند و جنازه بسیاری از مسافران پیدا نشد، اظهار کرد: «آمریکایی‌ها برای حادثه سفارتشان در ایران که تمام شده است، فیلم سینمایی آرگو را با آن همه جنجال می‌سازند با آنکه دولت خودشان در گوانتانامو ۱۲ سال است ۱۶۸ نفر را بدون محاکمه نگهداری می‌کند. اما ما برای این حادثه بزرگ که خانواده‌هایشان همچنان غمگین هستند کاری نمی‌کنیم و در مملکتی که این همه جشن و مراسم می‌گیریم حتی جایی را به نام اینها نگذاشته‌ایم.»